

نقد اندیشه

کتاب فصل گفتگوی انتقادی

کتابچه گفتگو

شماره یک | ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ | ۱۶ صفحه

۱۰ چالش فرهنگی رئیس جمهور آینده

به روایت پیام فضلی نژاد

پژوهشگر و مدیرمسئول نقد اندیشه



شبکه ۵ سیما
چهارشنبه‌ها، ۹ صبح
برنامه سلام تهران



قسمت اول

سرقت عدالت فرهنگی
به میزبانی سید امیر جاوید

@NaghdAndisheh

**دولت‌ها فرزندان
حکومت‌ها هستند**
حکومت‌ها هستند که
دولت‌ها را متولد می‌کنند
و مردم را مجبور می‌کنند
تا بر اساس یک سری
سازوکارهای سیاسی و
اجتماعی، این دولت‌ها را
انتخاب کنند



به نام خدا

مجری برنامه سلام تهران:

آقای امیر جاوید در آن سوی استودیو منتظر هستند که با میهمانشان آقای فضلی نژاد روزنامه نگار خوب کشورمان گفت و گو داشته باشند. ایشان به ما افتخار دادند به این برنامه تشریف بیاورند و در زمینه فرهنگ و پیرامون مسائل فرهنگ و سیاست صحبت کنند. ایشان پژوهشگر، روزنامه نگار هستند و هم بسیار تحقیقاتی که تا امروز به عنوان یک محقق انجام داده اند مورد استقبال قرار گرفته است. و خیلی خوشحالم که ایشان را از نزدیک می بینم. آقای جاوید بفرمایید در خدمتیم.

سید امیر جاوید: سلام. وقتتان بخیر. خیلی خوشحالم یکبار دیگر در این هفته و این چهارشنبه در خدمت شما هستم. بناست پیرامون سرقت عدالت فرهنگی، رئیس جمهور جدید و ده چالش پیش رو با پیام

فضلی نژاد محقق، پژوهشگر و روزنامه‌نگار گفت و گو کنم. سلام. خیلی خیلی خوش آمدید آقا پیام. **پیام فضلی نژاد:** با عرض سلام و ادب خدمت شما و بینندگان عزیز. البته این نکاتی که در مقدمه گفتند هیچ کدام برای من صادق نیست و اظهار لطف داشتند و بنده‌نوازی کردند. در خدمت شما هستم.

جاوید: اختیار دارید. آقای فضلی نژاد! ما اگر یک مرور کوتاه و سریع داشته باشیم از آن چه که در دولت‌ها از ابتدای انقلاب تا به الان گذشته، به اتفاقات و زنجیره‌هایی برمی‌خوریم که این‌ها برای ما جذاب و احتمالاً قابل تحلیل است و ما را به گزاره‌های موثر و مفید و مهمی می‌رساند. یک پیش‌مرور و بررسی شعارهای انتخاباتی این دولت‌هاست.

تنها دولتی که شاید جایگاه بالاتری را به لحاظ طراحی افق خودش انتخاب کرده بود دولت حضرت آقا، آیت‌الله خامنه‌ای بود که شعارشان، شعار معروف و مشهوری است که می‌گویند: «حکومت اسلامی، آن حکومتی است که مردم را به

فکر کردن و ادار کند.» ما با یک فقر، با یک مظلومیت در عرصه فرهنگ در تمام دولت‌ها مواجه‌ایم. یعنی ما هیچ وقت هیچ دولتی را عملاً ندیده‌ایم کلیدواژه اصلی یا مساله او «فرهنگ» باشد. اما هنگامی که کارزارهای تبلیغاتی یا کارزارهای رسانه‌ای آن‌ها را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که اتفاقاً فرهنگ کلیدواژه پربسامدی در گفت‌وگوهای آنان می‌شود انگار یک استفاده‌ای از آن می‌کنند. این ده چالش پیش روی رئیس جمهور جدید که قرار است ما امروز در مورد آن گفت‌وگو کنیم با توجه به این تاریخچه کوتاهی که عرض کردم چیست؟

فضلی نژاد: در واقع دولتی که قرار بود مردم را به فکر کردن وادارد- همانطور که اشاره کردید- امروز کار به جایی رسیده است برخی معتقدند اصلاً جمهوری اسلامی در مرحله ماقبل فکر به سر می‌برد و چالش‌هایی که با آن مواجه است چالش‌های مهمی است که باید زودتر حل و تعیین تکلیف بشود. رئیس جمهور آینده که در واقع کابینه سیزدهم را از مرداد ۱۴۰۰ ریاست خواهد کرد با ده چالش عمده ناشی از «سرقت عدالت

فرهنگی» روبروست.

اولین چالش «مرگ متخصصان و حذف فرزنانگان» است. چالش دوم «فقر ژئوکالچر» و «عدم فهم ژئوپلیتیک فرهنگی» و «عدم شناخت ایران فرهنگی در منظومه دولت‌هاست». چالش دیگر «پولشویی فرهنگی» است، پدیده جدیدی که امروزه با آن مواجه هستیم. «طبقاتی شدن اقتصاد فرهنگ» و «لاکچریزه کردن فرهنگ» و «سپردن فرهنگ به دست سلبریتی‌ها» به جای اینکه فرهنگ را به دست متفکرین، دانشمندان و فرزنانگان و پیشکسوتان بسپاریم، از چالش‌های دیگر ماست. «رانت‌جویی حزبی» و «انحصارات رسانه‌ای» در این دوره به اوج خود رسیده است و وضع - حال باید این وضع را یک تحلیل روشمندی کرد - به جایی رسیده است که «صنعت سرگرمی» در حال تبدیل به «کارخانه تولید حماقت» است. اینجا نقش دولت و همچنین دیگر ارکان حکمرانی فرهنگی ما بسیار مهم است.

جاوید: ظاهراً پول در حماقت است!

فضلی نژاد: بله! و نهمین چالش این است از رهگذر

این روند امروزه با «نابودی روزنامه‌نگاری مستقل» مواجه هستیم. دولت، مطبوعات را مستاجر خود کرده است و کمر به قتل «ژورنالیسم متعهد» بسته است و ...

جاوید: بسا به اسارت درآورده باشد.

فضلی‌نژاد: بله. با یک «دولت گروگان‌گیر فرهنگی» مواجه هستیم. در نهایت و چالش دهم هم یک مشکل مزمن در نظام جمهوری اسلامی است که بر دولت‌ها اثر می‌گذارد: تکلیف نظام جمهوری اسلامی با «آزادی فرهنگی» روشن نیست. این همیشه ابزار و بهانه خوبی را به دست دولت‌ها و نامزدها داده است تا در این عرصه تبلیغات سیاسی کنند و وعده‌هایی را بدهند که هیچ‌وقت به عمل منتهی نمی‌شود. چون به آن اعتقاد ندارند و فرهنگ را معطوف به قدرت می‌بینند.

به هر حال، رئیس‌جمهور آینده اولاً قبل از همه این بحث‌ها باید شجاعت و جسارت این را داشته باشد که خود را در معرض گفت‌وگوهای سخت با روشنفکران و فرهیختگان قرار بدهد. این پیشنهاد به ستاد انتخابات کشور و ستاد انتخابات سیما هم ارائه شد - که شما در

جریان آن هستید - ولی محقق نشد.

جاوید: آقای فضلی نژاد! ما که به اصل گفت و گو راضی هستیم حالا سخت و نرمش بماند! اصل گفت و گو هم محقق شود ما راضی هستیم.

فضلی نژاد: بله. ما می خواهیم بگوییم اگر کاندیدایی واقعاً صادق است و این صدا را می شنود خودش داوطلبانه اعلام آمادگی کند و بگوید من حاضرم خودم را در برابر جمعی از متخصصان که آنها یک هیأت منصفه علمی و نماینده وجدان عمومی هستند قرار بدهم تا عیار فرهنگی من رقم بخورد.

بینید کار به کجا رسیده است؟! کار به اینجا رسیده است که رئیس جمهورهای ما به دلیل فقدان بینش فرهنگی اصولاً مناصب فرهنگی را حتی در سطح وزارت به شرکای انتخاباتی خودشان هدیه و پاداش سیاسی می دهند. در دولت یازدهم وضع وزارت فرهنگ اینگونه است و آقای حسن روحانی بی ربط ترین چهره به عالم فرهنگ را که آقای «علی جنتی» است، به عنوان وزیر فرهنگ برمی گزینند، کسی که دیپلمات، استاندار

و سرمایه‌گذار در شرکت‌های سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بوده است. گویی در این کشور هیچ فرهنگ مرد و مدیر فرهنگی برجسته‌ای وجود ندارد و باید چهره‌ای که هیچ تخصصی ندارد و بویی از فرهنگ به شامه‌اش نخورده است، وزیر فرهنگ کشور شود.

بعد نفر بعدی را که انتخاب می‌کنند، کار خراب‌تر می‌شود یعنی آقای «صالحی امیری»! فردی با سابقه امنیتی و شبه امنیتی. ایشان در سال ۱۳۹۶ زمان انتخابات طوری مصاحبه می‌کند که انگار هنرمندان را می‌تواند خرید و فروش کند! اجاره بدهد به ستاد این کاندیدا یا آن کاندیدا که این موضوع معروفی است و بسیاری از اهالی فرهنگ هم در برابر آن موضع گرفتند.

کمی قبل‌تر، آقای سیدمحمد خاتمی سال ۸۳ سازمان میراث فرهنگی را که دیگر از سازمان میراث فرهنگی مهم‌تر در منظومه هویتی خودمان برای اینکه ریشه‌های تمدنی خودمان را بشناسیم نداریم. ایشان این سازمان را در اختیار «حسین مرعشی» قرار می‌دهد که یک سیاستمدار است و شما می‌بینید که آقای جنتی یک «سیاستمدار تاجرصفت» است و آقای مرعشی هم

یک سیاستمدار تاجر صفت است. این‌ها بر سرنوشت فرهنگی یک ملت استیلا پیدا می‌کنند. یا مثلاً آقای احمدی نژاد می‌آید همین وزارت را - آن زمان هنوز وزارتخانه نشده بود و سازمان میراث فرهنگی بود و [رئیس آن] معاون رئیس جمهور بود - آقای مشائی و آقای بقایی بودند. آن‌ها هم امنیتی بوده‌اند و نهایتاً سیاسی شدند. آقای مشائی کمی هم احياناً کارهای فرهنگی انجام داده‌اند. کار را به اینان می‌سپارند که این‌ها نیز اساساً آدم‌های فرهنگی نیستند. این‌ها نه ترمینولوژی و ادبیات گفت‌وگوی فرهنگی را می‌دانند و نه اقتضائات سیاستگذاری فرهنگی در جهان جدید را می‌دانند و نه دیپلماسی فرهنگی و توسعه دانش فرهنگی را برایش برنامه دارند. با نگاه پروژه محور نه روند محور می‌آیند سازمان‌ها را در اختیار می‌گیرند. باز به نظر بنده، آقای روحانی دو سور به دولت‌های قبلی زده است. به این معنا که وزارت میراث فرهنگی ایشان که رئیس آن آقای «محمد علی نجفی» بود فوق‌لیسانس ریاضی است و هیچ ربطی به میراث فرهنگی ندارد. همینطور زمانی هم که ایشان وزیر آموزش و پرورش

بودند به آن حوزه ربط نداشتند و حتی زمانی هم که سازمان برنامه بودند باز به آن حوزه ربط نداشتند.

جاوید: شهردار هم بودند.

فضلی نژاد: شهردار هم که بود به طریق اولی. پس ببینید، بحث در این است که رئیس جمهور جدید در این دیوان سالاری با این چالش‌ها مواجه است. مناصب فرهنگی خرید و فروش شده است و بذل و بخشش سیاسی شده است.

جاوید: حالا یک عارضه هم به وجود آورده است که حداقل در ۳۲ ساله گذشته دستگاه‌های فرهنگی کشور را مدیران میانی یا مشاورین اداره کردند؛ یعنی از آنجایی که مسئولین با همین فرمانی که شما می‌گویید و با همین معامله کردن‌ها عملاً منصوب شده‌اند یک اتفاقی که طبیعتاً در همان حوزه کاری خودشان که در مسند آن قرار گرفته‌اند بلد نیست خب از چه کسی باید مشورت بگیرد؟ یا مشاورین شده‌اند مسئول یا ...

فضلی نژاد: حلقه‌هایی شکل گرفته یا لابی‌هایی اثر گذاشتند.

جاوید: بله. حتی ما در سینما و تئاتر این را می‌بینیم یا در هنرهای تجسمی این وضع بسیار روشن است که یک جمع محدودی در طول این ۳۲ سال عملاً این عرصه‌ها را اداره می‌کنند. دولت آقای هاشمی می‌آید و می‌رود، اما این مدیران میانی و کارگزاران هستند. دولت آقای احمدی نژاد می‌آید و می‌رود، باز هم این‌ها هستند. دولت آقای خاتمی می‌آید و می‌رود، وضع همین وضع است. امروز هم که آقای روحانی رئیس‌جمهور هستند، همین مدیران بر مسند هستند و من بعید می‌دانم دولت بعدی که برود باز این‌ها نباشند. باز هستند. بازنشسته شوند، مشاور می‌شوند و بازنشسته هم نباشند مدیر میانی می‌شوند.

فضلی نژاد: این وضع ناشی از یک دلیل روشن است. دولت‌ها فرزند حکومت‌ها هستند؛ و حکومت‌ها هستند که دولت‌ها را متولد می‌کنند و مردم را مجبور می‌کنند تا براساس یک سری سازوکارهای سیاسی - اجتماعی،

این دولت‌ها را انتخاب کنند.

بنابراین، وقتی ما سخن از نقد فرهنگی دولت‌ها می‌گوییم، باید نقطه دید خود را بالاتر ببریم و کل فرماسیون و کل «حکمرانی فرهنگی جمهوری اسلامی» را نقد کنیم. در ابتدای بحث، گفتیم چالش دوم رئیس‌جمهور آینده، «فقر ژئوکالچر» و «عدم فهم ژئوپلیتیک فرهنگی» و عدم شناخت ایران فرهنگی در است، اما در میان حکمرانان دیگر ما نیز هیچ فهمی از جغرافیای «ایران فرهنگی» وجود ندارد. به این معنا که اکثر وزیران ارشاد، خارجه و ارتباطات، ایران را صرفاً در چارچوب مرزهای جغرافیایی کشور دیدند و اصلاً حوزه هویتی ایران و شرق را از شمال چین، شمال هند و بالکان و قفقاز و آسیای میانه و آسیای صغیر، نمی‌شناسند. نشابهات فرهنگی و قدرت نرم فرهنگی داریم اصلاً در راهبرد دولت‌ها قرار ندارد.

این «مونگولیسیم فرهنگی» که دولتمردان ما دچارش هستند یک مونگولیسیم تبهکار هست که سبب شده گنجینه‌های ملی ما فراموش شوند. وقتی «گنجینه‌های ملی» فراموش می‌شوند، سطح ذائقه عمومی پایین می‌آید.

جاوید: اولین چالشی که اشاره کردید، «مرگ متخصصان و حذف فرزندان» بود. هر کس به شکلی می‌میرد و مرگ انواع مختلفی دارد. یکی ترور فیزیکی می‌شود، یکی ترور بیولوژیکی، یکی را اعدام می‌کنند، یا یکی هم خودکشی می‌کند و... مرگ متخصصانی که شما می‌گویید چگونه فرا می‌رسد؟

فضلی نژاد: این مرگ یک مرگ تدریجی و ناشی از ستیز فرزندان و متخصصان با دیوان‌سالاری کشور است. یک عامل مرگ متخصصان، گردش ناعادلانه توزیع قدرت فرهنگی است؛ چالش مهمی که رئیس‌جمهور آینده با آن سروکار دارد همین است: اینکه بتواند قدرت فرهنگی را عادلانه توزیع کند. ببینید؛ مثلاً فرهنگستان‌های مانده‌های فوق دانشگاهی هستند. حداقل در طول ۲۰ سال گذشته نهادهای فرهنگی ما افول پیدا کردند و نهادهای فوق دانشگاهی ما کم‌کم از بین می‌روند.

جاوید: متأسفانه.

فضلی نژاد: متأسفانه. این نهادهای مرجع، دیگر اثری

در سیاستگذاری‌های فرهنگی کشور ندارند؛ همانطور که شورای عالی انقلاب فرهنگی دیگر اثری ندارد. یکی از پیشنهادات بنده به نامزدها این است: غیر از اینکه وزاری کابینه از جمله وزرای فرهنگی را شامل وزارتخانه‌های ارشاد، میراث فرهنگی، ارتباطات، آموزش عالی و آموزش و پرورش و ورزش و جوانان را معرفی کنند، دبیر شورای عالی فرهنگی‌شان، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، رئیس بنیاد نخبگان و کاندیداهایشان را برای فرهنگستان‌ها - چون بعضی از این کاندیداهای سمت‌های فرهنگی و دانشگاهی باید از مجامع دیگر نیز رای بگیرند - اما بیایند این کاندیدها را به مردم معرفی کنند.

اینطور نباشد که پس فردا مواجه بشویم با اینکه یک دامپزشک دبیر یک شورا بشود؛ یا یک بازرگان نفتی دبیر یک شورای عالی شود که اصلاً کارنامه و تجربه‌اش به آن حوزه ربطی ندارد

رئیس‌جمهور آینده باید در قدرت فرهنگی، گردش ایجاد کنند. آقای حداد عادل رییس «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» تقریباً از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ یک دوره

رئیس فرهنگستان بوده است. دوباره از سال ۱۳۸۷ تا امروز هم رئیس هستند. یعنی مجموعاً ۲۲ سال که بیش از پنج دوره چهارساله است.

خب، از بین این همه ادبای پیر و جوان که صلاحیت ریاست فرهنگستان را هم دارند، کسی قابل انتخاب نبود؟ آن هم شخصی که مسئولیت‌های مهم دیگری هم داشته و رئیس قوه بوده است. وقتی شما فرهنگستان را اینگونه قفل می‌کنید، معلوم است بعد از مدتی به رکود می‌رسد که حتی قابل نجات هم نیست. این‌ها باید بازسازی شود. مساله اصلی رئیس جمهور آینده ایران، «بازسازی فرهنگ» است.

جاوید: متأسفانه وقت برنامه هم ظاهراً تمام شده است. از شما خواهش می‌کنم این گفت‌وگو را در هفته‌های آینده و تا انتخابات با شما ادامه بدهیم که به بررسی چالش‌های دیگر نیز پردازیم.